

نگاه

هفت‌خان انتخابات خانه تئاتر

بخش نخست

مجید گیاه‌چی

● در آستانه برگزاری انتخابات هیئت‌مدیره مرکزی خانه تئاتر، در روز شنبه، ۲۲ اردیبهشت ۱۳۹۷، اخیرا یکی از اعضای محترم این هیئت‌مدیره، با اشاره به پرسش‌ها، اعتراضات و توقعات در حال گسترش مطرح‌شده از سوی جامعه تئاتر، از جمله اعتراض‌نامه‌ای با چندصد امضا از سوی هنرمندان تئاتر، در جایی گفته‌اند: «گر تو بهتر می‌زنی، بستان بز!» غرض از نگارش این متن، بررسی این موضوع است که آیا در شرایط فعلی، متاثر از عملکرد ۱۸ ساله این خانه و حتی قانونا، امکان و فرصتی برابر، برای مبارزه انتخاباتی در خانه تئاتر، به‌عنوان نخستین و بدیهی‌ترین شرط برگزاری هر انتخاباتی، وجود دارد یا نه؟

برای این بررسی از اصطلاح سنگر مستحکم، هفت‌سنگر یا هفت‌خان می‌توان یاری جست.

خان اول: بی‌شک مهم‌ترین و مستحکم‌ترین خان، اساسنامه خانه تئاتر است که با وجود تمام فعل‌وانفعالات و تغییر فرایندهای مؤثر بر تئاتر (مانند شکل‌گیری و گسترش تئاتر خصوصی، عدم گسترش متناسب بودجه، حمایت‌ها و زیرساخت‌ها یا افزایش چشمگیر و حتی نگران‌کننده فارغ‌التحصیلان دانشگاهی تئاتر و…) مانند متنی مقدس حفظ شده و بلاتغییر مانده است. درحالی‌که به‌رورسانی و اصلاح اساسنامه دیگر تشکیلات مشابه (مانند خانه‌های سینما یا موسیقی) انجام شده است…

۱۸ سال است که علاوه‌بر عدم‌تعریف‌و نامشخص‌بودن بسیاری از موضوعات؛ از نقش و جایگاه قانونی انجمن‌ها و کانون‌ها گرفته تا ارتباطات درون مجموعه‌ای یا چگونگی گسترش فعالیت در دیگر شهرها و… با توجه به اهمیت غیرقابل‌قیاس «هیئت‌مدیره مرکزی» و متاثر از آن، «مجامع عمومی»، به‌عنوان تنها مفاهیم دارای نقش و جایگاه قانونی و مؤثر بر خانه تئاتر، انتخاب هیئت‌مدیره، بی‌توجه به تبعیض‌آمیزبودن اساسنامه در ایجاد امکان فرصتی برابر، برای گرایش‌های مختلف تئاتری، برعهده مجمع عمومی، متشکل از تمامی اعضای بیوسه و وایسته، گذاشته شده است. این در حالی است که به شکلی بدیهی، اعضای «انجمن بازیگران» به‌تنهایی، بیش از مجموع اعضای ۱۳ انجمن و کانون دیگر وایسته به خانه تئاتر است. این موضوع هم‌چنان‌که فهرست اسامی منتخبان در ۹ دوره گذشته نشان می‌دهد، امکان متناسب و برابری برای ورود مؤثر اعضای دیگر انجمن‌ها ایجاد نکرده و هیئت‌مدیره این خانه در طول ۱۸ سال گذشته، کم‌وبیش ثابت باقی مانده است و چنین اساس نامه‌ای موجب کاهش احتمال تغییر و افزایش احتمال حفظ وضع موجود شده است. (در خانه‌های سینما و موسیقی با اصلاح اساسنامه و برگزاری مجمع عمومی، متشکل از تعداد برابری از اعضای انجمن‌ها، این نقصان، تصحیح و اصلاح شده است).

خان دوم: برخلاف اکثر قریب‌به‌اتفاق دیگر سازمان‌ها، با توجه به اینکه هر تشکیلات گروهی و صنفی اعتبار خود را از اعضایش می‌گیرد، خانه تئاتر از معدود سیستم‌هایی است که رشد منفی و معکوس داشته است. هرچند آمار و اطلاعات این خانه روشن و شفاف نیست، اما مسلم است در دوره‌ای حداقل دو هزار و ۵۰۰ عضو داشته، درحالی‌که با وجود گسترش فعالیت‌های اجرایی تئاتر در کشور و انبوهی از فارغ‌التحصیلان تئاتری با رشدی چشمگیر و غیرقابل‌تصور، اعضای فعلی این خانه هزار و ۷۰۰ نفر است (درحالی‌که بر مبنای برخی گمانه‌زنی‌ها به نظر می‌رسد تنها در تهران، امکان جذب حداقل همین تعداد هنرمند وجود داشته باشد) و در خوش‌بینانه‌ترین ارزیابی‌ها، خانه تئاتر، حداقل یک‌سوم اعضای خود را از دست داده است؛ اعضای که با ناامیدی از تغییر و اصلاح های و نارضایتی از کارآمدی آن و عدم ایفای نقشی مؤثر و مناسب، مبادرت به ترک خانه کرده‌اند. جدایی هر یک از این نارضایان موجب کاهش احتمال تغییر و افزایش احتمال حفظ وضع موجود شده است.

خان سوم: خانه تئاتر در جلب اعتماد و جذب برخی از هنرمندان شاخص‌تر تئاتر از یک سو و نسل‌های جدید تئاتری از سوی دیگر، کاملا ناموفق بوده است.

اگر آماری از میانگین سنی و سال تولد اعضا منتشر شود، مشخص خواهد شد که نسل‌های جدید تئاتری، متولدان دهه‌های ۶۰ و ۷۰، با وجود شمار بیشتر، به‌میزان قابل‌توجهی کمتر از نسل‌های متقدم، به عضویت در خانه تئاتر تمایل نشان داده‌اند. بویابی، تحرک و فعالیت و حضور چشمگیرتر این نسل‌ها در فعالیت‌های تئاتری سال‌های اخیر و محروماندن یا نگه‌داشتن خانه از حضور آنها از یک سو و عضویت بخشی از هنرمندان تئاتر که مدت‌هاست از هر نوع فعالیت تئاتری و هنری دور بوده‌اند و در جریان مستقیم شرایط حاکم بر تئاتر نتوانسته‌اند هم موجب کاهش احتمال تغییر و افزایش احتمال حفظ وضع موجود شده است. **خان چهارم:** خانه تئاتر در این سال‌ها از کمترین میزان اطلاع‌رسانی، ایجاد انگیزه و جذب مشارکت اعضای خود برخوردار بوده است. نه‌تنها هیچ ارتباط ارگانیک و هدفمندی بین هیئت‌مدیره مرکزی و اعضا وجود ندارد که حتی ارتباطی بین آن‌ها و هیئت‌مدیره انجمن‌ها و کانون‌ها یا بین این انجمن‌ها و… وجود ندارد، به‌شکلی که بسیاری از اعضا در جریان موضوعات مطرح در هیئت‌مدیره مرکزی یا انجمن مربوطه نیستند و جز سالی دو بار برای پرداخت حق عضویت یا شرکت در مجامع عمومی و انتخابات فرا خوانده نمی‌شوند.

ادامه دارد…

ناصر چشم‌آذر درگذشت

گروه هنر: خبر فوت ناصر چشم‌آذر در ساعات نخستین جمعه، ۱۴ اردیبهشت، برای اهالی هنر و علاقه‌مندان آثارش قطعاً خبری شوک‌آور بود. این آهنگ‌ساز و نوازنده پیش‌کسوت حدود ساعات ۸:۳۰ صبح روز گذشته به بیمارستان مراجعه می‌کند و یک ساعت بعد در اثر سکنه قلبی از دنیا می‌رود. همکاری او با بسیاری از کارگردانان شناخته‌شده سینمای ایران و ساخت موسیقی فیلم‌های سینمایی بخشی از کارنامه هنری اوست. ساخت موسیقی فیلم «تاراج» به کارگردانی زنده‌یاد ایرج قادری نخستین تجربه او در زمینه ساخت موسیقی فیلم بود؛ «هامون»، «قصه‌های مجید»، «خواهران غریب» و «قارچ سمی» از جمله آثار اوست. ساخت موسیقی «قارچ سمی»، «خواهران غریب»، «بلندی‌های صفر»، «چشم شیطان» و «هامون» سیمرغ بلورین بهترین موسیقی فیلم را برای چشم‌آذر به‌همراه داشت و در تمام این سال‌ها فعالیت او در زمینه ساخت فیلم ادامه داشت.

داریوش مهرجویی در گفت‌وگویی با ایلنا درباره تجربه همکاری با ناصر چشم‌آذر گفت: «آقای چشم‌آذر موسیقی‌دان برجسته‌ای بود. به نظر من در زمینه موسیقی پاپ و فیلم خیلی موفق بود. کارهایی که با من انجام داد، عالی بودند؛ مثل «هامون»، «آچارنشین‌ها»، «میکس» و «چشمی» در فرهنگ ایرانی و برخی از کشورهای فیلم‌ها با من همکاری داشت و خیلی هم کارش خوب بود».او ادامه داد: «آقای چشم‌آذر ذوق‌و‌شوق زیادی برای موسیقی داشت و فقدانش خیلی فاجعه است.

برپایه نمایشگاه انفرادی هنرمند نقاش چینی - موون لی (Mowen Li) - با عنوان «شه‌دخت ایرانی» در گالری «آس» شاید یکی از جالب‌ترین رویدادهای هنری در اردیبهشت‌ماه امسال بود. دلیل آن مواجهه نقاش با مفهوم «چادر» در فرهنگ ایرانی و برخی از کشورهای مسلمان است. این نقاش با گرت‌برداری از آثار نقاشان بزرگی مانند ونسان ونگوگ، فریدا کالو و ... و همین‌طور با بهره‌گیری از ادبیات، افسانه‌ها، اسطوره‌ها و بهارگریی کهن‌الگوها، نقاشی‌های رنگین و جالبی را خلق کرده است. «موون لی» به دلیل کار در یکی از مؤسسات بین‌المللی با هدف دستیابی به صلح جهانی، مدتی در تهران اقامت می‌کند. ازاین‌رو آشنایی با مردم و فرهنگ صلح‌طلبانه آنها، او را بر آن داشت که در تصحیح تصویر نادرستی که رسانه‌های غربی از «چادر ایرانی - اسلامی» در اخبار خود منتشر کرده‌اند، به ترویج فرهنگ واقعی از طریق خلق نقاشی کمک کند. او معتقد است: «از طریق سازمانی که در آن فعالیت می‌کنم، به‌عنوان مدافع جوانان با هدف انجام پروژه‌های توسعه صلح و بهینه‌سازی مدیریت به بیش از ۳۰ کشور ازجمله مناطق تحت‌نمایشه سفر کردم. هر چه هدایت افراد بیشتری را برعهده گرفتم، بیشتر احساس کردم که تشویق گروه کوچکی از مردم برای چنین جنبش و حرکتی کافی نیست.

خود را از اعتراضی در مقیاس بزرگ و چار‌سزاری برای مشکلات جهانی نیازمند تغییر طرزفکر‌ها و باورهاست. ازاین‌جهت هنر‌دارای قدرتی بنیادی و اساسی در راستای پیشبرد اهداف متعالی زندگی و روند عمل‌گرایی است. با این‌باور در ۲۵ سالگی تصمیم گرفت‌م تا به‌عنوان یک هنرمند مستقل فعالیت کنم». او داستان خود را درباره برپایی نمایشگاه «شه‌دخت ایرانی» چنین بیان می‌کند: «یک‌روز که برای رفتن از شمال به جنوب تهران سوار تاکسی شده و از پنجره مشغول تماشای بیرون بودم، ناگهان زنی را با چادر سیاه در میان خیابان‌های دوده‌گرفته شهر دیدم. چادر سیاهش نیمی از آسمان را در خود گرفته بود. او جلوی تاکسی را گرفت و سوار شد. من آن لحظه می‌دانستم‌و برای همیشه با من ماند. آن زن به من گفت: «ممکن است تصور کنی که در پشت ظاهر این وضعیت، انسانی مطیع و سیاه‌پخت پنهان است»، اما درواقع روحی زیبا و قلبی مهربان مانند همه انسان‌ها پشت آن قرار دارد، من او را «شه‌دخت ایرانی» نامیدم و به‌خاطرش تصمیم گرفتم هنرمند شوم و پروژه «شه‌دخت ایرانی» را برای بازتاب دنیای درون این زن آغاز کردم، و با این مقدمه گفت‌وگو با او را ادامه دادم.

● **آن‌طور که در شرح‌حال خود گفتید، شما نقاشی حرفه‌ای نیستید؛ پس چطور دست به قلم بردید و چنین نقاشی‌هایی خلق کردید؟**
چند زمانی که دو سال پیش بیشتر، بدنام، بر اساس عادت کودکان نقاشی را دوست داشتم؛ اما هیچ‌وقت فکر نمی‌کردم که نقاشی حرفام شود؛ در کشور ما، چین، نقاشی را حرفه نمی‌دانند و معتقدند که شخص باید در حرفه‌ای خاص فعالیت کند. تا اینکه دو سال پیش به‌عنوان فعال زن در مؤسسه صلح جوانان به ایران آمدم؛ این مؤسسه یک NGO است که مدیریت آن را جوانان برعهده دارند. به همین دلیل به ایران سفر کردم و سعی کردم فرهنگ ایران را به‌طور واقعی بشناسم. در ایران مسئله حجاب مرا جذب کرد. البته این را باید بگویم که در دوران کودکی به دلیل شناخت نادرستم وقتی زنی چادرپسر می‌دیدم تصور می‌کردم جادوگری است که جادوی سیاهش را پشت چادرش پنهان کرده؛ وقتی بزرگ‌تر شدم، تحت‌تأثیر رسانه‌های غربی این نوع حجاب متعلق به تروریست‌ها معرفی شد! ولی وقتی به ایران آمدم و از نزدیک با حجاب آشنا شدم، نگاهم تغییر کرد؛ مثلاً یکی از همسران همکارم چادری بود. به همین دلیل با او بیشتر آشنا شدم و آن‌موقع متوجه شدم که زنان باحجاب با دیگران فرقی ندارند. دریافتم مردم بدون آنکه درباره چیزی آگاهی داشته باشند فقط آن را

به همه دوستان، هنرمندان، موسسین‌ها و خانواده آقای چشم‌آذر تسلیت می‌گویم و امیدوارم این غم آخشان باشد».کارگردان فیلم «گاو» تصریح کرد: «آنچه مسلم است اینکه فیلم «هامون» خیلی روی چشم‌آذر تأثیر گذاشت، حتی باعث شد از همسرش جدا شود. نمی‌دانسم چطور رویش تأثیر گذاشت؛ به‌هرحال فیلم درباره جدایی یک زن و شوهر است و من فکر می‌کنم چشم‌آذر با کاراکتر شوهر؛ یعنی هامون (با بازی خسرو شکیبایی) همذات‌پنداری کرد و یک‌جوری خواست این رابطه را داغان کند. زده بود به سرش، رفته بود به عوالم دیگری و... اصلاً همان چیزهایی که در فیلم «میکس» می‌گوید خودش بود. بنابراین زندگی خانوادگی اش هم لطمه دید».مهرجویی با اشاره به حضور ناصر چشم‌آذر در فیلم سینمایی «میکس» در مقابل دوربین گفت: «چشم‌آذر در فیلم «میکس» خودش بود. برای اینکه کاراکتر جالبی داشت و وقتی روی یک موضوع متمرکز می‌شد، دیگر خیلی متعصب و دکامیسم می‌شد، ولی این کاراکترش بود. کاری‌اش نمی‌شد کرد. وقتی به ناصر چشم‌آذر گفتم باید در فیلم میکس بازی کند، خیلی دوست داشت و قبول کرد و آمد جلوی دوربین، اما کار سخت بود؛ چون مدام می‌رفت و می‌آمد؛ یعنی با توجه به روحیه‌اش کارکردن با او کمی سخت بود. چشم‌آذر در این زمینه بازیگری حرفه‌ای نبود، اما چه بازی تشنگی در این فیلم ارائه داد؛ وقتی آهنگ می‌زد، می‌خواند و می‌رفت پشت شمع‌ها».خبر فوت ناصر چشم‌آذر واکنش‌های بسیاری از سمت هنرمندان مطرح موسیقی و سینما

چادر زنان ایرانی در نقاشی‌های یک هنرمند چینی

فرانک آرتا



می‌توانم بگویم اگر به ایران بیایی باید حجاب داشته باشی.

● **و به نظر شما جواب او چه خواهد بود؟**
به نظرم اگر می‌توانست به ایران بیاید و چنین تجربه‌ای را کسب کند، حتما تعداد زیادی نقاشی درباره چادر می‌کشید.

● **یا چه دلیل در گرت‌برداری از نقاشی‌های ونگوگ یا فریدا کالو زنان را باحجاب به تصویر کشیدید؟**
قبیل از هر چیز باید بگویم من در ادبیات مسائل مختلف را دنبال می‌کنم، از جمله افسانه‌های ملل. بنابراین من افسانه‌های ملل مختلف را انتخاب کردم، چون در این سرزمین‌ها مردم عشق و مهربانی را پیدا می‌کنند؛ افسانه‌های ملل سرزمین رؤیاهاست. برای این مثال رقصی در ژاپن وجود دارد به نام «آوتونی» که من (پرشن پرنسس) را در آن قرار دادم. داستانش آن است که مردی عاشق دو زن است. یک زن حسادت می‌کند و زن دیگر را می‌کشد... در واقع کلیت این داستان درباره حسادت زنانه است؛ حسادت شاید یک زن را به یک موجود خطرناک تبدیل کند؛ بنابراین من در داستان‌های ملل ویژگی‌های خوب و بد را دنبال کردم و البته به دنبال بیان خوب یا بدبودن آن نبودم.

● **اما چرا حجاب؟ این قصه‌ها را می‌توان بدون توجه به مسئله حجاب هم تصویر کرد.**

این مربوط به ایران است، چراکه ورود به ایران و استفاده از حجاب برایم کمی شوک‌آور بود! **چرا شوک‌آور؟**
من شوکه شدم به خاطر تفاوتش؛ اما بعد به‌خاطر ارتباط نزدیک با زنی که حجاب چادر داشت و برای‌تان تعریف کردم، متوجه شدم حجاب تنها نوعی عقیده است و باید بدون قضاوت به آن نگاه کرد.

● **چرا در نقاشی‌های شما، زنان سیل دارند؟**
مردان سرزمین من یعنی «خاور دور» همه دوست دارند صورت‌های تراشیده داشته باشند؛ اما در خاورمیانه مردان ریش و سیل دارند و این به‌نظر جذاب است. بعد دیدم که این زیبایی می‌تواند روی صورت زنان هم تصویر شود بدون اینکه هیچ نگاه جنسیتی به آن داشته باشیم.

● **جالب است که در دوره زمامداری ناصرالدین‌شاه قاجار، یکی از معیارهای زیبایی زنان حرمسرا، سیل‌هایشان بود!**
(می‌خندد) جالب است من این موضوع را در ابتدا نمی‌دانستم، اما بعد که نقاشی‌ام را کشیدم با آن آشنا شدم و برایم بسیار جالب بود. به‌نظر ما نباید برای زیبایی اجباری داشته باشیم. بهتر است اجازه دهیم هرکس به هر نحوی که دوست دارد زیبا باشد. من دوست داشتم یکی از نشانه‌های قدرت مرد را که داشتن سیل بوده است، روی صورت زنان هم نشان دهم.

● **در کارهای فریدا کالو هم سیبیل دیده می‌شود. حالا تصور کنید اگر فریدا کالو از شما بپرسد که چرا چادر سر من کردید، چه پاسخی می‌دهید؟**



فرانک آرتا

کردیم و پیشنهاد داد با هم سمفونی ایران را بنویسیم و با ارکستر ایشان آن را مشترکا اجرا کنیم. اتفاقا در همین صحبت‌ها از دوستان مشترکمان که درگذشته‌اند هم یاد کردیم و من به ایشان گفتم چقدر سخت است که هزارچندگاهی مجبور می‌شویم نام برخی از دوستانمان را از دفتر تلفن‌هایمان پاک کنیم و ایشان گفتند فکر کنم چندوقت دیگر نام من را هم از دفتر تلفنت پاک کنی. من هم برایشان آرزوی سلامتی و طول عمر کردم. ایشان همان روز برای من ساز نواخت، گوشی را روی پیانو گذاشت و برایم قطعه‌ای از «باران عشق» را نواخت. البته او همیشه کار جالبی که می‌کرد این بود که قطعاتی را می‌نواخت و از من می‌خواست حدس بزنم کدامیک از کارهای ایشان است.»

هر چیزی دو سویه خوب و بد دارد؛ در دنیا کشورهای مختلفی وجود دارد که مدام می‌خواهند فرهنگ خود را غالب کنند. ولی به‌نظرم باید به‌نظر همگان احترام گذاشت.

● **و شما برای این‌درک متقابل زبآن هنر را برگزیدید؟**

هرکس ممکن است برخورد شخصی با آن بکند، اما به‌نظر من حجاب فرهنگ و عقیده شماس‌ت و باید به آن احترام گذاشت. من به‌عنوان انسانی که خارج از این فرهنگ، در خودم آن را همضم کردم.

● **شما آموزشی درباره نقاشی ندیده‌اید؟**
خیر؛ پدرم هنرمند است، اما هیچ‌وقت به من یاد نداد که چطور نقاشی بکشم. پدرم معتقد است که نباید نقاشی را یاد گرفت؛ نقاشی تخیل است و باید مثل یک کودک نقاشی کرد. من هم شیوه خودم را ابداع کردم و از کسی تأثیر نگرفتم.

● **آیا حالا خود را نقاش حرفه‌ای می‌دانید؟**
من هرگز خودم را نقاش حرفه‌ای نمی‌نامم. من نقاشی مستقل هستم.

● **مسیر خود را ادامه می‌دهید؟**
دوست دارم که پرتره‌ها را ادامه دهم؛ پیش از این با کودکان زاغه‌نشین کشور فیلیپین پروژه‌ای داشتم و به آنها هم آموزش دادم که چادر ایرانی را در نقاشی ببرند و تمام مسائل و آرزوهای خودشان را روی چادر ایرانی نقاشی کنند.

● **آیا آثار او را به کشورهای اروپایی و آمریکایی هم خواهید برد؟**

بله؛ چون فکر می‌کنم این مسئله دیگر مربوط به زنان ایرانی نیست. مربوط به همه زنان دنیااست. به‌همین‌دلیل نقاشی‌های مختلف از سراسر دنیا انتخاب کردم.

حوزه معاونت عمران شهری

آگهی مناقصه ۰۲-۹۷ (جراید و سایر دستگاه‌های اجرائی استان)

شهرداری اصفهان در نظر دارد جهت اجرای پروژه‌های زیر از طریق برگزاری مناقصه انتخاب پیمانکار نماید.

نام پروژه	مبلغ برآورد اولیه تقریبی به ریال	پایده‌روسازی ضلع جنوبی خیابان جی حدفاصل خیابان همدانیان تا توحید (۲۰۰۲-۹۷)	احداث سرویس بهداشتی پارک اریسون (۳-۲۰۰۲-۹۷)
		منطقه ۱۵	منطقه ۱۵
		۳/۴۰۰/۰۰۰/۰۰۰	۱/۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰
		منطقه ۱۵	منطقه ۱۵
		۴ ماه	۴ ماه
		۱۶/۷۰۰/۰۰۰/۱	۱۱/۰۰۰/۰۰۰/۱

تذکرات:

شرکت کنندگان موظف به ارائه رتبه‌بندی مرتبط از سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی می‌باشد.

پیمانکاران ملزم به ارائه اسناد و مدارک شرکت، گواهی تایید صلاحیت ایمنی و سوابق کاری خود قبل از تهیه اسناد می‌باشند، بدیهی است تحویل اسناد مناقصه منوط به ارزیابی سوابق و توان شرکت کنندگان می‌باشد.

برنده مناقصه جهد عقد قرارداد باید معادل ۵٪ مبلغ مورد پیمان را به عنوان تضمین تعهدات پیمان به صورت ضمانت‌نامه بانکی ، اسناد خزانه یا اوراق مشارکت به شهرداری تسلیم نماید.

واجبدین شرایط می‌توانند از تاریخ ۹۷/۰۲/۱۶ لغایت ۹۷/۰۲/۲۵ همه روزه به جز، روزهای تعطیل به حوزه معاونت عمران شهری واقع در خیابان کاوه ابتدای اتوبان دکتر چمران مراجعه و با ارائه معرفی‌نامه کتبی شرکت و سایر مدارک نسبت به دریافت اسناد مناقصه اقدام نمایند. **لازم به ذکر است کلیه اسناد مناقصه می‌بایست توسط شرکت کننده تایید ، مهر و امضا شده و طبق شرایط مناقصه ضمیمه پیشنهاد خود نمایند.**

آخرین مهلت ارسال پیشنهاد قیمت تا ساعت ۱۴ روز چهارشنبه ۱۳۹۷/۰۲/۲۶ می‌باشد. بدیهی است دریافت پاکت‌ها بعد از ساعت مقرر امکان‌پذیر نمی‌باشد.

حضور نماینده تام‌الاختیار و مطلع به آنالیز قیمت پیشنهادی و با معرفی‌نامه کتبی پیمانکار در روز بازگشایی پاکت‌ها جهت ارائه توضیحات تکمیلی احتمالی در محل معاونت عمران شهری الزامی است.

شهرداری اصفهان در رد یک یا تمام پیشنهادات مختار است

برندگان اول و دوم مناقصه هرگاه حاضر به انعقاد قرارداد نشوند سپرده آنان به ترتیب ضبط خواهد شد.

هزینه چاپ آگهی مناقصه به عهده برنده مناقصه می‌باشد.

جهت دریافت اطلاعات بیشتر به آدرس اینترنتی <http://www.isfahan.ir> مراجعه نمایید.